

## توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی

به مناسبت نود و دومین سالگرد استرداد استقلال افغانستان  
(قسمت هشتم)

### عاملین یا ایجت های مسلمان انگلیس در کابل

انگلیس ها در اوایل راجع به افغانستان معلومات زیادی نداشتند. گرچه راجع به افغانستان حکایاتی از مسافرین و سیاحین موجود بود، اما تا فرستادن الفینستن انگلیس ها از آنسوی سرحد هند بریتانوی (اتک) معلومات نداشتند. برای آنها جمع آوری معلومات استخباراتی نه تنها مشکل و خطرناک بود، بلکه معلومات مذکور ناقص و ناچیز نیز بود. چگونگی معلومات بیشتر به قابلیت و کفایت افرادی ربط داشت که به چهره و لباس تقلبی سفر میکردند. انگلیس هابعضاً خبر نویسان محلی را نیز استخدام مینمودند.

انگلیس ها برای رفع این مشکل کوشیدند تا نمایندگانی را که در افغانستان سکونت داشته باشند، مورد استفاده قرار دهند. اما اگر از سالهای (۱۸۳۸ - ۱۸۴۲) و (۱۸۷۸ - ۱۸۸۰) یاجنگ های اول و دوم افغان و انگلیس که طی آن انگلیس ها برای سکونت نمایندگان شان در کابل دست به تلاش های ناکام و پر از مصیبتی زدند، بگذریم، انگلیس ها تا سال ۱۹۲۲ م در افغانستان کدام نمایندگی دیپلماتیک و سیاسی نداشتند، اما توانسته بودند که در کابل وکیلان یا ایجتان (عاملین) مسلمان هند بریتانوی را داشته باشند، و معلومات و راپورهای خود را توسط آنها بدست آورند(۱).

از سال ۱۸۸۲ تا ۱۹۱۹ در جمله وکلای مسلمان حکومت هند بریتانوی به ترتیب خان بهادر محمد افضل خان، سردار میرزا عطاالله خان، سردار محمد افضل خان گنداپور، محمد عزت خان منشی، محمد اکرم خان، مولوی غفور خان، حافظ محمد نواز خان، ملک خدابخش توانا، فقیر سید افتخار الدین، ملک طالب مهدی خان، و حافظ سیف الله خان شامل بودند.

بعد از استرداد استقلال افغانستان، به اساس قرارداد سال ۱۹۲۱، زمینه مناسبات سیاسی و دیپلماتیک و تأسیس نمایندگی ها بین افغانستان و بریتانیا فراهم شد، و تا وقت استقلال هندکه انگلیس ها ظاهراً منطقه را ترک گفتند، سفرای انگلیس در کابل سکونت داشتند. همه این سفرا مأمورین خدمات سیاسی هندوستان بودند که از طرف وزارت خارجه مقرر میشدند. درین سفرا به ترتیب فرانسس هنری همفری، ریچارد مکوناچی، ویلیام فریزر-تاینلر، فرانسیس ویلی، اوگیلز فریدریک سکوایر شامل بودند.

### توسعه تدریجی دستگاه استخباراتی انگلیس برای افغانستان و منطقه

گرچه شعبه استخبارات در مرکز قوماندانی ارتش بریتانیا در هند با آغاز جنگ دوم افغان و انگلیس تأسیس شده بود و امور آن توسط سه نفر صاحب منصب و دو نفر معاونین شان به پیش برده میشد، این شعبه در سال ۱۸۹۲ وسعت یافته و تعداد صاحب منصبان آن به پنج نفر و معاونین به چهار نفر افزایش یافت. در سال ۱۹۰۳ رتبه آمر این شعبه به دیگر جنرال ارتقا یافته و ساحة مسؤلیت آن نیز افزایش یافت. در دوران جنگ جهانی اول بخش استخبارات در امریت عملیات نظامی لوی درستی نیز تأسیس شده و در پنج شعبه فعالیت میکرد که چهار شعبه آن مربوط به مناطق جغرافیوی (افغانستان، روسیه، ترکستان و سرحد شمال غربی) بوده و شعبه پنجم آن به کارهای خاص نوع سری اختصاص یافته بود که مأمورین آن شامل ۱۵ نفر صاحب منصب و ۱۰ نفر کاتب بود. بعد از استرداد استقلال افغانستان به موضوع استخبارات توجه بیشتر شده ساحة و تشکیلات این دستگاه بصورت منظم توسعه یافت.

### اهداف انگلیس ها و فعالیت های استخباراتی شان

اگر به پلان های پیاده شده انگلیس ها در افغانستان، هندوستان و کشورهای عربی بنگریم، دیده میشود که هدف فعالیت های شان بر توطئه و دسیسه، سبوتاژ، نفوذ در محافل حاکمه، نصب امیران و پادشاهان دست نشانده و تبدیل جغرافیای طبیعی کشور ها متمرکز بوده است. آنها با مهارت و هوشیاری خاص در بین دربار، منتقدین قومی و حلقات روحانی کشور ها راه یافته و بهترین حربه شان درین راه استفاده از پول بوده است. آنها با استفاده از پول اشخاص را خریده یا استخدام نموده و از طریق آنها به اغتشاشات دامن میزدند، تبلیغات منفی میکردند، و در بین محافل سلطنتی، گروه های سیاسی و مردم عام سبب ایجاد ناباوری و اختلافات میشدند (۲). (ادامه دارد)

یادداشت ها

۱. بنظر میرسد که اولین وکیل مسلمان انگلیس ها در نتیجه قرارداد سال ۱۸۵۶ م بین انگلیس ها و امیر دوست محمد خان توسط پسرش سردار غلام حیدر خان و جان لارنس John Lawrence عقد شد، به کابل فرستاده شد. مطابق ماده پنجم این قرارداد پشاور، به وکیل حکومت انگلیس ها در کابل اجازه مخصوص داده شد. این وکلا همیشه مسلمانان هندی بودند و اولین وکیل نواب فوج دار خان بود که از سال ۱۸۵۶ تا اپریل ۱۸۵۹ وظیفه داشت
۲. محمد ولي (۱۳۸۷)، توطئه انگلیس در سقوط دولت اعلیحضرت امان الله خان

---

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادښت: دلپکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ